



ای خدای باغ‌های جاودانه در بهشت
زیر باغ‌ها روان
جویبارها
روی شاخه‌ها انارها
ای خدای قصرهای از طلا و نقره خشت خشت
غرق عطرهای پاک
حجره حجره یاس و لاله و گل محمدی
در میان حجره‌ها نشسته صف به صف
چهره‌های تابناک
دوستان مهربان و هم زبان
بی گناه و زشتی و بدی
در لباس‌های سبزی از حریر
تکیه داده بر سریر
در رضایت و سلام
غرق گفت‌وگو و شادی مدام

بهشت من

محمدحسن حسینی
تصویرگر: مریم سادات منصور

توضیحات
۱. سریر: تخت
۲. این شعر الهام گرفته از آیات زیر است:
توبه (۷۲-۲۱-۸۹-۱۰۰)
نساء (۵۷-۱۲۲-۱۳)
مائده (۱۲-۸۵-۱۱۹)
آل عمران (۱۶۵-۱۵-۱۳۶-۱۶۸)
شعرا (۵۷-۱۳۴-۱۴۷)

ای خدای خوب من
آرزوی من از این همه
یک نظر به روی توست
دم زدن
در نسیم گفت‌وگوی توست
کاشکی تو انتهای سرنوشت من شوی
کاشکی خودت بهشت من شوی